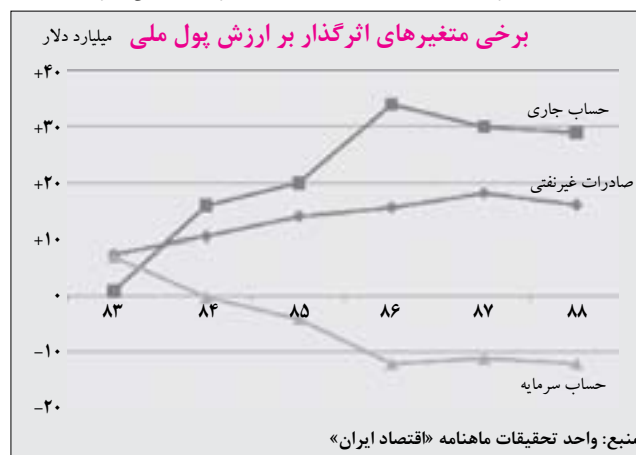


همراه کاهش درآمدهای نفتی در کنار رشد بدهی‌های جاری دولت نسبت به کل تولید - که متأسفانه در سال جاری کماکان به رشد خود ادامه خواهد داد - همگی از متغیرهایی هستند که تأثیر شگرف و البته منفی بر قدرت ریال بر جای می‌گذارند. در ماه‌های اخیر هم صحبت از حذف صفر در جهت کنترل تورم و حفظ ارزش ریال به میان آمده که متأسفانه به هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی اجرای این طرح به هیچ وجه توجه نشده است، چراکه به طور حتم با راه‌اندازی واحد پولی جدید، می‌بایست اسکناس و مسکوک قدیم را از چرخه اقتصاد حذف و واحد پولی جدید را جایگزین آن نمود که بی‌شک همین مسأله، هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش هزینه‌های دولت در قبال تغییر حساب‌های ملی در کنار رشد هزینه‌های اجتماعی حاصل از ناسازگاری مردم با واحد پولی جدید، همگی از مشکلات این طرح است که امید است مسؤولان اقتصادی کشور با بازنگری در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی خود، مسایلی را در نظر بگیرند که بتواند به ثبات اقتصادی کشور کمک کند. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «بررسی ارزش پول ملی» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

کشورمان در همین بازه زمانی با کاهش ۲/۰۵ درصدی در سال ۸۶ به رقم ۲ هزار و ۷۱۹ میلیون دلار در سال ۸۷ رسید که متأسفانه انتظار می‌رود با تنزل ۸/۴۵ درصدی خود در سال جاری به ۲ هزار و ۵۰۸ میلیون دلار در سال ۸۸ برسد. کاهش سرمایه‌گذاری‌ها به



نقش بنگاه‌های کوچک در توسعه صنعتی ایران

کوچک، اما پُر فایده

ارزیابی دکتر جعفر بیگزاد، عضو هیأت علمی دانشگاه بناب از نقش صنایع کوچک در رشد اقتصادی کشور



روند پیشرفت تحولات روزافزون در محیط کسب‌وکار امروزی، واحدهای کوچک و متوسط را جزیی از شبکه‌ها و زنجیره‌های تولید جهانی قرار داده است که توانایی‌های فن‌آوری، نیروی کار متخصص و مدیریت پیشرفته از مهمترین ویژگی‌های آن است. توسعه صنایع کوچک و متوسط، رمز توسعه اقتصادی دهه آینده است. بررسی‌ها نشان داده است که صنایع کوچک با ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تأثیر گذارند. به علاوه، شدت یافتن رقابت جهانی، افزایش بی‌اطمینانی و تقاضای فزاینده برای محصولات متنوع باعث شده است که اقبال به این صنایع بیشتر شود.

است. صنایع کوچک با توانمندی‌های خود می‌توانند با از میان برداشتن مشکلاتی همچون بیکاری و توزیع ناعادلانه درآمد، نقش مهمی به عهده بگیرند. در حالت کلی مهمترین نقش و اهمیت صنایع کوچک و متوسط را می‌توان در توسعه صنعتی و اقتصادی، کمک به توزیع عادلانه‌تر درآمد، اشتغالزایی، تسریع توسعه صنعتی در نقش اقمار صنایع بزرگ و ایجاد ارزش افزوده خلاصه کرد. به علاوه، می‌توان مواردی همچون تشویق فرهنگ سرمایه‌گذاری، تسریع در زمان بهره‌برداری و توجه به هزینه فرصت سرمایه، ارزش تولید بیشتر با سرمایه‌گذاری کمتر و صرفه‌جویی در استفاده از ارزهای خارجی را از دیگر تأثیرات صنایع کوچک بر اقتصاد دانست.

موانع رشد و توسعه

علیرغم اهمیت و ضرورت توجه جدی و هدفمند به مقوله توسعه صنایع کوچک در کشور، هنوز داشتن ساختار سنتی از جنبه‌های مختلف مدیریتی، نیروی انسانی و ماشین‌آلات، در کنار محدود بودن عرضه به بازارهای کوچک و بسته محلی و در اختیار نداشتن منابع مالی لازم و کافی جهت توسعه این امر، از مسایل و مشکلات بزرگی هستند که گریبان تولید ما را گرفته‌اند. پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری‌های جدید را هم نباید فراموش کرد، چرا که ضعف بازار سرمایه و توان پایین جذب سرمایه‌ها، عاملی است که اقتصاد ایران را فلج کرده است. علاوه بر موارد فوق، وجود قوانین انعطاف‌ناپذیر کار و تأمین اجتماعی و مالیاتی و آسیب‌پذیر بودن این صنایع در مشکلات و بحران‌های اقتصادی در رویارویی با

مطالعات اخیر بانک جهانی حاکی از آن است که واحدهای کوچک صنعتی در کشورهای در حال توسعه، اثرات کاملاً محسوس بر اشتغال و درآمد ملی داشته و از این نظر در حصول رشد توزیع شده و برابر نقش مهمی ایفا کرده‌اند. بنابراین حرکت در راستای سازماندهی و کمک به واحدهای کوچک و متوسط صنعتی نباید از زاویه ایجاد یک گروه‌بندی رانت طلب نگرسته شود، بلکه هدف این امر بهبود ساختار صنعتی کشور و رقابتی نمودن این ساختار برای چالش‌های آینده می‌باشد که رقابتی شدن این واحدها، منشاء بهترین پاسخ به مشکل مزمن بیکاری در کشور است.

اهمیت صنایع کوچک و متوسط

با توجه به اهداف کلی توسعه اعم از فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، تعادل‌های منطقه‌ای و استقلال اقتصادی لازم است سیاست‌هایی اتخاذ گردد که دستیابی به این اهداف را میسر سازد. در سیاست‌های اتخاذ شده توسط کشورهای مختلف مشاهده می‌شود که جایگاه صنایع کوچک کاملاً محسوس

سیاست‌های مالیاتی، محدودیت‌های بازرگانی و قوانین حقوقی این برنامه‌ها به منظور آماده‌سازی و بسترسازی لازم برای شرکت‌های کوچک و متوسط با توجه به جهانی شدن اقتصاد، علاوه بر حفظ موقعیت کنونی، سهم خود را در بازارهای جهانی افزایش داد.

در پایان باید گفت توسعه صنایع کوچک و تکنولوژی‌های متوسط، می‌تواند به عنوان استراتژی مناسب برای کشور ما مطرح باشد و از طریق رفع فقر، افزایش درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی انسانی غیر ماهر، انباشت سرمایه از طریق افزایش بازدهی، بهبود بهره‌وری در بخش روستایی و همچنین از طریق جلوگیری از گسترش شهرنشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه به فرآیند توسعه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی کمک نموده و رشد اقتصادی کشور را تسریع بخشد. ■

تورم تاکنون بسیاری از صنایع و محیط کسب‌وکار ما را با چالش مواجه کرده است؛ هرچند پایین بودن نرخ ورود صنایع کوچک به بازار و مشخص نبودن نرخ واقعی خروج از آن و نبود نظام پشتیبانی از کارآفرینی و نوآوران را هم نباید فراموش کرد.

اگر تجربه کشورهای موفق و پیشرو در این عرصه را که در سازماندهی صنایع کوچک به موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافته‌اند مورد توجه قرار دهیم، درخواهیم یافت که ما نیز ملزم به کار و کوشش همگانی و اقدامات اساسی در نظریه‌پردازی و ارایه راهکارهای مناسب و منطقی برای ساماندهی صنایع کشور خود هستیم.

در این راستا می‌توان با اتخاذ راهکارها و تدوین برنامه‌های کلیدی نظیر انتقال فن‌آوری به این شرکت‌ها، ارتقای منابع انسانی صنایع، بازرگری

لزوم بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار

در انتظار دنیا

تحلیل دکتر عسگر پاک‌مرام، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور از جهانی شدن بازار سرمایه کشور



مدل از بورس‌ها نقش بسیار مهمی دارند. ورود شرکت‌های ایرانی به بورس‌های پورتفولیوی خارجی اگرچه سرمایه‌گذاران خارجی را از حضور در ایران بی‌نیاز می‌کند، ولی

در مقابل، هر سرمایه‌گذار خارجی با هر ملیت، نژاد و وابستگی‌های دیگر می‌تواند سهام شرکت‌های ایرانی را در بورس‌های خارجی خریداری کند.

در این راستا می‌توان با ارایه راهکارها، زمینه‌های دستیابی به بازارهای سرمایه بین‌المللی را هموار کرد. مهمترین این پیشنهادها موارد زیر را در بر می‌گیرد.

• اجازه ورود به خارجیان در بازار اوراق بهادار ایران برای انجام معاملات در این بازار - به صورتی که ورود و خروج سرمایه و انتقال سود سهام در بانک مرکزی ثبت شود - مثبت ارزیابی می‌شود.

• امکان خرید سهام شرکت‌ها توسط خارجیان در محدوده درصد معینی که در صنایع مختلف متفاوت خواهد بود، قابل اعمال باشد. به عبارت دیگر، خرید اوراق سهام بنگاه‌ها از درصد معینی از دارایی آنان، در مرحله اول تجاوز نکند و فقط طبق برنامه‌ای که به تصویب بانک مرکزی یا مقام کنترل‌کننده بازار سرمایه خواهد رسید، قابل افزایش باشد. در این زمینه باید انعطاف لازم با توجه به شرایط بازار سرمایه کشور، در نظر گرفته شود.

• از آنجا که کشورمان برای توسعه اقتصادی خود به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم (FDI) نیازمند است، جریان سرمایه در بازار اوراق بهادار در کوتاه‌مدت کمک چندانی به توسعه اقتصادی کشور نخواهد کرد، لیکن تأثیر مهم آن، کاهش هزینه ریسک و در نهایت، کاهش هزینه دسترسی به سرمایه خواهد بود که در موقعیت فعلی برای ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در کشور از اهمیت زیادی برخوردار است.

• در بلندمدت، آزادسازی بازار سرمایه از ضروریات آزادسازی اقتصاد کشور خواهد بود.

• باتوجه به این که آزادسازی بازار سرمایه در کشور بسیار حساس است، تدوین برنامه‌ای برای اجرای این مهم و کنترل بازار سرمایه و تنظیم بازار اوراق بهادار

جهانی شدن و جهانی‌سازی پدیده‌ای چند بُعدی، فرآیندی و چالش‌برانگیز است که نه در یک بُعد خاص، بلکه در ابعاد گوناگون در حال شکل‌گیری و تکوین بوده و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهمترین چالش ناشی از پدیده جهانی شدن، شکسته شدن قالب‌های موجود، گسسته شدن انحصارها و پیدایش فضای رقابتی شدید در سطح جهان است و همه نظام‌های اقتصادی و مالی برای تداوم حضور خود در عرصه جهانی، ناگزیر خواهند بود در جهت تأمین الزامات رقابتی شدن و کسب مزیت رقابتی لازم تلاش کنند. یکی از پدیده‌های بسیار قابل توجه دهه اخیر در اقتصاد جهانی، ادغام رو به تزاید اقتصادها در سطح جهان است. از میان نیروهای ادغام‌کننده اقتصاد جهانی، می‌توان به تجارت فرامرزی اشاره کرد. فشار ناشی از توسعه تکنولوژی بر فرآیند جهانی شدن در دو دهه گذشته، باعث تغییر در ساختار بازارها شده است.

دلایل اصلی بین‌المللی کردن بورس اوراق بهادار

اگر بخواهیم در جهان جایگاه ممتازی داشته باشیم و منابع کافی برای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سرمایه‌گذاری‌های جدید جذب کنیم، بین‌المللی کردن بورس می‌تواند راهگشا باشد. همچنین - به صورتی متقابل - حضور شرکت‌های ایرانی در بورس‌های جهان از چند جهت حایز اهمیت است. با ورود شرکت‌های ایرانی به بورس و بازارهای جهانی، دانش فنی و همچنین سطح بورس، استانداردهای مدیریتی و راهبردی شرکت‌های داخلی افزایش می‌یابد و این امر به افزایش شفافیت و بهبود مدیریت شرکت‌ها خواهد انجامید. این شرکت‌ها به لحاظ تحلیل مالی و مدیریت سرمایه‌گذاری زیر ذره‌بین صدها سرمایه‌گذار از بورس‌های مختلف دنیا خواهند بود و در نهایت، تحلیل جهانی در بهبود کشف قیمت‌ها نقش اساسی خواهند داشت. از لحاظ اقتصاد ملی، مهمترین مزیت ورود به بورس‌های خارجی، دسترسی به منابع مالی بین‌المللی است. الزامات ایجاد بورس بین‌المللی نیازمند توانایی‌های خاص، زیرساخت‌ها و شناخت درست از بازار است. ترکیب صحیحی از عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی، مالیاتی، تکنولوژیکی و جامعه‌شناختی در شکل‌گیری صحیح و موفق این